

کدشناسایی: 1480438

کدبایگانی: 64 9815

نام: محمد

نام خانوادگی: طالبی

نام پدر: محمدکلوخ

تاریخ تولد: 1340/02/10

ش.ش: 8

محل صدور شناسنامه: بیرجند

تاریخ شهادت: 64/12/06

نوع حادثه: حوادث مربوط به جنگ تحمیلی

شرح حادثه: حوادث ناشی از درگیری مستقیم با دشمن -

توسط دشمن در جبهه

استان: بنیاد شهید استان خراسان

شهر: اداره بنیاد شهید بیرجند

وصیت نامه: %

1480438 طالبی - محمد

« بسمه تعالی » □ یکشنبه 64/12/4 □ « ما می‌خواهیم از آبروی اسلام، از

آبروی کشور اسلامی دفاع کنیم. » (امام خمینی)

« اللهم انی استغفرک لکل ذنب استعنت علیه بحیلتی بشئی مما یراد به

وجهک او یستظهر بمثله علی طاعتک او یتقرب بمثله الیک و واریت عن

الناس و لیست فیه کانی مرد یک بحیلتی والمراد به معصیتک والهوی فیه

متصرف علی غیر طاعتک »

« خدایا استغفار میکنم از هر گناهی که برای دست یا زیدن به آن به حیل

ای متوسل شدم که از آن برای اطاعت و تقرب بسوی تو استفاده میشد

و در پناه این عمل نیک از مردم پنهان شدم گویی من مرید تو گشته‌ام

ولی مراد من معصیت تو بود و هوای نفس در راهی غیر از اطاعت تو

جریان داشت. »

بنام الله پاسدار حرمت خون شهیدان □ با سلام و درود بر منجی عالم

بشریت حضرت مهدی موعود و نایب بزرگوارش امام خمینی و امت شهید

پرور و آرزوی صبر و اجر جهت خانواده‌های معظم شهدا و به امید آزادی

اسرای در چنگال بعثیون عراق و آزاد شدن کربلای سالار شهیدان و قدس

عزیز و به اهتزاز در آمدن پرچم توحید بر سراسر گیتی بدست توانای

رزمندگان کفر ستیز اسلام.

بعنوان یک فرد مسلمان که نوشتن وصیتنامه بر او واجب است در حالیکه

مدت زمانی به یورش رزم آوران سپاه اسلام به قلب سپاه صدامی نمانده

چند کلمه را بعنوان وصیت بر روی کاغذ می نگارم.

پدر و مادر مهربانم: امیدوارم از ناراحتی‌ها و زحماتی که تا بحال شماها را

داده‌ام من را عفو نمایید و برایم طلب مغفرت نمایید و دیگر اینکه مادرم بر

جنازه من گریه و شیون نکنید چون این راه را خودم با آگاهی کامل اختیار

کرده و امر جهاد در راه خدا بر هر مسلمانی واجب است و از شما پدر و

مادر می‌خواهم نمازهای قضای من را که حدود 5 سال می‌گردد بخوانید و

خوبیهای شماها را بخصوص زحمات مادر را تا آخرین لحظات فراموش نمی کنم و از خداوند بهبودی کامل قلبتان را آرزومندم.

پدرخانم و مادر عزیزم: از زحماتی که در زندگی من و همسر من تا بحال کشیده اید کمال تشکر و قدر دانی را می نمایم و اگر از بنده حقیر بدی دیده اید به کرم و لطف شریفان ببخشید.

همسر عزیزم: اگر تا بحال در زندگی مشترکمان از بنده ناراحتی دیدی عفو نمایی و مسئولیت گرانی که بر دوش تو گذاشته شده که همانا تربیت صحیح فرزندان است امیدوارم بنحو احسن انجام دهی و خوبیهای تو را در زندگیمان هیچ موقع از یاد نخواهم برد (حتی تا آخرین لحظات عمر).
فرزندم: وصیت میکنم تو را ای علی جان که هیچگاه از یاد خدا غافل نشوی و همیشه تقوی را پیشه کن و تا آنجا که بتوانی در آینده به سواد آموزی و درس خواندن اهمیت فراوان بدهی تا از این راه به جامعه و مملکت اسلامی کمک بنمایی.

برادرانم از شماها میخواهم سنگر مدرسه را محکم نگه دارید و راه شهیدان را ادامه داده و نگذارید که خونشان پایمال گردد. خواهرانم تقاضای من اینست که همانند شیرزن کربلا حضرت زینب (ع) زندگی کنید و همیشه پشتیبان امام باشید.

از برادر احمد یوسفی و همکاران نیروگاه و اداره برق و همزمان پایگاه تقاضا دارم که نگذارند خون شهدا از بین برود و حامی انقلاب و امام عزیزمان باشند و در جهت صدور انقلاب و رسیدن ندای حق به گوش مردم جهان از هیچگونه تلاش و کوششی فروگذار نباشند.

تقدیم به فرزندم و همسر □ ما که در دل گنج ایمان و ولا داریم ما در تهی دستی غنای ارتضا داریم □ عاشقی از عشقباز کربلا آموختیم روز عاشورا و دشت نینوا داریم □ کشتی هستی به دریای بلا افکنده ایم چون خمینی پیر دانا ناخدا داریم □ طیلسان افکنده با سر سوی هیجا تاختیم

شوق دیدار لقای آشنا داریم □ سنگر پیکار را فولاد آتش دیده ایم کی ز رزم طاغیان رو بر قضا داریم □ هر که خار راه ما گردد پشیمان میشود

اتکا تا بر عنایات خدا داریم □ در پایان از شما میخواهم جنازه من را در مزار شهدای بیرجند دفن نمایید.

با آرزوی پیروزی و باز شدن راه کربلای حسین □ مریوان - دبستان شهدا - یکشنبه 64/12/4 □ محمد طالبی □